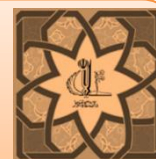




A Comparative Study of Physical Literacy from the Perspectives of Whitehead and the Somatology of Transcendent Wisdom (Hikmat al-Muta'aliyah) with an Enrichment Approach and the Presentation of an Existential-Spiritual Physical Literacy Model



Fahimeh Jamalirad^{1*}, Aliyyeh Rezaadad², Jalileh Salehi³, Samaneh Sheikhnezami⁴

1. (Corresponding Author); Assistant Professor, Department of Islamic Education, Farhangian University, Tehran, Iran; Email: f.jamalirad@cfu.ac.ir
2. Associate Professor, Department of Islamic Education, Farhangian University, Tehran, Iran; Email: a.rezaadad@cfu.ac.ir.
3. Master's Graduate in Islamic Philosophy and Theology, Ferdowsi University; Researcher and Instructor, Khorasan Seminary, Mashhad, Iran; Email: jalilesalehi@gmail.com.
4. Assistant Professor, Department of Psychology, Motahar Educational Institute of Rationalists; Email: sheikhnezami@gmail.com.

Article Info

Abstract:

Article type:

Research Article

Print ISSN:

2716-9812

Online ISSN:

2717-3488

Received:2026/02/03

Detected:2026/08/10

Accepted:2026/08/23

Available:2026/08/23

Keywords:

Physical literacy, transcendental wisdom, spiritual physical education, integrated pattern, essential movement.

The aim of this research is to enrich the theoretical framework of "physical literacy" by relying on the foundations of "transcendental wisdom" and presenting an existential-spiritual model. The study method is comparative-analytical with the "Boride" model and a qualitative approach; which has been carried out through text analysis in two areas. The findings show that conventional "physical literacy", despite its achievements, suffers from five fundamental gaps due to its roots in secular anthropology: lack of transcendent teleology, reductionism in the motivation and concept of the body, and neglect of moral dimensions and deep existential integrity. In contrast, transcendental wisdom, with concepts such as essential movement and doubt of existence, considers the body as a "level of the soul" and a "staircase of transcendence" towards divine perfection. Accordingly, a combined model of "existential-spiritual physical literacy" is presented in this article. In this model, the components of self-efficacy, motivation, and physical literacy knowledge are deepened with the concepts of "responsibility for the divine trust", "intention of nearness", and "bodily knowledge of the self", respectively, and the "dimension of spirituality and finality" is enriched as the main core. By creating a transition from physical education to self-education, a native-Islamic framework has been provided for the qualitative improvement of physical education.

Cite this article: jamalirad, fahimeh; Rezaadad, Aliyyeh; Salehi, Jalileh; Sheikhnezami, Samaneh(2026), A Comparative Study of Physical Literacy from the Perspectives of Whitehead and the Somatology of Transcendent Wisdom (Hikmat al-Muta'aliyah) with an Enrichment Approach and the Presentation of an Existential-Spiritual Physical Literacy Model, Religious studies and efficiency, 6(2), 1-22.

https://nrr.tabrizu.ac.ir/article_22096.html

Publisher: University of Tabriz



غنی سازی نظریه سواد بدنی و ایتهد و ارائه الگوی وجودی - معنوی مبتنی بر تطبیق با بدن شناسی حکمت متعالیه



فهیمة جمالی راد^{۱*}؛ علیه رضاداد^۲؛ جلیله صالحی^۳؛ سمانه شیخ نظامی^۴

۱. (نویسنده مسئول): استادیار گروه آموزش معارف اسلامی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران؛ ایمیل: f.jamalirad@cfu.ac.ir

۲- دانشیار گروه آموزش معارف اسلامی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران؛ ایمیل: a.rezadad@cfu.ac.ir

۳- کارشناس ارشد فلسفه و کلام اسلامی دانشگاه فردوسی، پژوهشگر و استاد حوزه علمیه خراسان، مشهد، ایران؛ ایمیل: jalilesalehi@gmail.com

۴- استادیار گروه روانشناسی موسسه آموزشی خردگرایان مطهر؛ مشهد، ایران؛ ایمیل: sheikhnezami@gmail.com

چکیده

اطلاعات مقاله

نوع مقاله:

مقاله پژوهشی

هدف این پژوهش، غنی سازی چارچوب نظری «سواد بدنی» با تکیه بر مبانی «حکمت متعالیه» و ارائه الگویی وجودی- معنوی است. روش مطالعه، تطبیقی- تحلیلی با الگوی «بردی» و رویکرد کیفی می باشد؛ که از طریق تحلیل متون در دو حوزه انجام شده است. یافته ها نشان می دهد «سواد بدنی» متعارف، با وجود دستاوردهایش، به دلیل ریشه در انسان شناسی سکولار، از پنج خلأ بنیادین رنج می برد: فقدان غایت شناسی متعالی، تقلیل گرایی در انگیزش و مفهوم بدن، و غفلت از ابعاد اخلاقی و یکپارچگی عمیق وجودی. در مقابل، حکمت متعالیه با مفاهیمی چون حرکت جوهری و تشکیک وجود، بدن را «مرتبه ای از نفس» و «پلکان تعالی» به سوی کمال الهی می داند. بر این اساس، الگوی تلفیقی «سواد بدنی وجودی-معنوی» در این مقاله ارائه شده است. در این الگو، مؤلفه های خودکارآمدی، انگیزه و دانش سواد بدنی، به ترتیب با مفاهیم «مسئولیت پذیری در قبال امانت الهی»، «نیت قرب» و «معرفت تنانه نفس» تعمیق و «بعد معنویت و غایت مندی» به عنوان هسته اصلی غنی بخشی شده و با ایجاد گذار از تربیت بدن به تربیت نفس، چارچوبی بومی- اسلامی برای ارتقای کیفی تربیت بدنی فراهم شده است.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۱۱/۱۴

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۵/۰۵/۱۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۶/۰۱

تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۶/۰۱

کلید واژه ها:

سواد بدنی، حکمت متعالیه، تربیت بدنی معنوی، الگوی تلفیقی، حرکت جوهری.

استناد: جمالی راد، فهیمة؛ رضاداد، علیه؛ صالحی، جلیله؛ شیخ نظامی، سمانه (۱۴۰۵)، غنی سازی نظریه سواد بدنی و ایتهد و ارائه الگوی وجودی- معنوی مبتنی بر تطبیق با بدن شناسی حکمت متعالیه، *دین پژوهی و کارآمدی*، ۶ (۲)، ۱-۲۲.

https://nrr.tabrizu.ac.ir/article_22096.html

ناشر: دانشگاه تبریز.

۱- مقدمه

تحولات نظام های آموزشی در دهه‌های اخیر جایگاه تربیت بدن را از فعالیتی مهارت محور، به یکی از ارکان اساسی پرورش انسان جامع ارتقا می‌دهد و آن را به عنوان یک مسیر یا سفر معرفی می‌نماید که در آن فرد در حال یادگیری، رشد و تطبیق با دنیای فیزیکی خود است تا برای مواجهه با چالش‌های زندگی فردی پویا و آماده باشد (UNESCO, 2015). در کانون این تحول، ظهور و گسترش چارچوب نظری سواد بدنی قرار دارد؛ رویکردی که نخستین بار توسط «مارگارت وایت‌هد»^۱ مطرح شد (Whitehead, 2010: 30) و با تاکید بر سه مولفه خودکارآمدی فیزیکی، انگیزه و اعتماد به نفس، و دانش و فهم می‌کوشد تا مشارکت آگاهانه، داوطلبانه و مادام‌العمر در فعالیت های بدنی را تضمین کند (Whitehead, 2010: 22-38). این مدل با عبور از رویکردهای سنتی که تربیت بدنی را معطوف به توان عضلانی، سلامت فیزیولوژیک و مهارت حرکتی می‌دانست؛ گامی در جهت یکپارچگی ابعاد جسمانی، شناختی و عاطفی انسان برداشت (Whitehead, 2010: 15) و در بسیاری از نظام های آموزشی غربی به عنوان زیربنای فکری برنامه های درسی پذیرفته شده است (et al, 2015: 40- 46). (Robinson).

با این حال علی‌رغم این پیشرفت های نظری و عملی، سواد بدنی در مبانی فلسفی خود با یک کاستی بنیادین مواجه است. این رویکرد ریشه در انسان‌شناسی سکولار و پدیدارشناسانه غرب دارد؛ یعنی کارکرد بهینه و قابل‌سنجش بدن زیستی در جهت تداوم زندگی فعال و مستقل؛ بدون ارجاع به معنویت و غایت متعالی و از پرداختن به هرگونه بعد متافیزیکی و الهیاتی وجود انسان اجتناب کرده است. در این نگاه، بدن به عنوان محل تجربه زیسته و ابزاری برای تعامل با جهان مادی فهمیده می‌شود (Whitehead, 1993: 12& 14) و سلامت بدن تنها در چارچوب مدیریت، پیشگیری و بهینه‌سازی تعریف می‌شود که غایتی فراتر از زندگی دنیوی ندارد. این تحلیل از بدن‌شناسی تاثیر ناقص و تک‌بعدی از سعادت و کمال انسانی ارائه می‌دهد و پرسش‌های ژرفی را بی‌پاسخ می‌گذارد؛ آیا بدن تنها ابزار تجربه جهان مادی است؟ سواد بدنی چه نسبتی با سیر تکاملی روح دارد و تربیت بدن چگونه می‌تواند به سلامت یکپارچه جسم، روان و معنویت بیانجامد؟

بی‌توجهی نظریه سواد بدنی به ارزش‌ها و باورهای عمیق دینی و ابعاد معنوی بدن انسان، می‌تواند در جوامع اسلامی تبدیل به بحران گردد و برنامه‌های علوم تربیت بدنی را از مسیر اصلی خویش دور سازد. در برابر این چالش، حکمت صدرایی در فلسفه اسلامی الگویی در مسیر تربیت بدن ارائه می‌دهد؛ به طوری که در این نظام، بدن نه تنها ظرف تحقق نفس و عمل است، بلکه مرتبه نازله نفس (صدرالدین شیرازی، ۱۳۸۱: ۸۴-۸۶) و شریک تکامل آن به شمار می‌رود (کمالی و دیگران، ۱۴۰۰: ۱۴۸).

در حکمت متعالیه مفاهیمی بنیادین مانند اصالت وجود، تشکیک در مراتب وجود، حرکت جوهری، حدوث جسمانی نفس و وحدت آن با بدن (عبودیت، ۱۳۸۵: ۶۰/۱ و ۶۱) درکی پویا، یکپارچه و هدفمند از رابطه جسم و نفس ارائه می‌دهند. انسان با علم حضوری به ذات خود در می‌یابد که بدنش را نفس تدبیر می‌کند و از نگاه

1- Margaret Whitehead.

صدرالمتالهین اصالت با نفس است اما در عین حال بدن محترم و ارزشمند است؛ در واقع در این رویکرد، سلامت جسمانی و روانی، تنها پله‌ای مقدماتی برای دستیابی به سلامت معنوی یا حیات طیبه می‌باشد.

بر این اساس، پرسش اصلی این است که چگونه می‌توان با بهره‌گیری از ظرفیت‌های انسان‌شناختی حکمت متعالیه، چارچوب نظری سواد بدنی را، به یک رویکرد وجودی-معنوی تبدیل نمود که هم از دستاوردهای علمی و روش‌شناختی رویکردهای جهانی بهره‌برد و هم با تکیه بر مبانی حکمت متعالیه، مسیر تربیت بدن را به تربیت متعالی انسان و نیل به سعادت اخروی پیوند زد؟ پاسخ به این پرسش، فراتر از پاسخ به یک مسأله علمی است و ماهیتی فرهنگی و تمدنی دارد. در عصری که جهان با بحران‌هایی مانند گسست انسان از خویشتن متعالی خود، تعارضات فرهنگی در برنامه‌های آموزشی و کاهش معنای زندگی مواجه است؛ تربیت بدنی می‌تواند با بازتعریف خود در چارچوبی وجودی - معنوی، به بستری برای بازگشت انسان به خویشتن متعالی خود تبدیل شود. از این‌رو، این پژوهش می‌کوشد با انجام یک مطالعه تطبیقی ساختارمند بر اساس رویکرد جرج بردی^۱، گامی در جهت غنی‌سازی و تکمیل نظریه سواد بدنی بر مبنای اندیشه بومی-اسلامی بردارد به گونه‌ای که الهام‌بخش سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان علوم تربیت بدنی باشد و این حوزه را از یک عرصه فنی-ورزشی به مسیری برای بازگشت به انسان متعالی تبدیل کند.

در خصوص پیشینه این پژوهش مقالات مستقل و متعددی درباره مبانی فلسفی بدن‌مندی و حرکت و نیز رویکردهای مرتبط با آن در حیطه سواد بدنی نگاشته شده است که به عنوان نمونه می‌توان به آثار ذیل اشاره نمود:

اسدی و همکاران (۱۳۹۸) در مقاله «تحلیل تطبیقی ادراک بدن‌مند نزد ملاصدرا و موريس مرلو-پونتی» به مقایسه نقش بدن در فرآیند شناخت از دیدگاه این دو فیلسوف پرداخته‌اند. اگرچه هر دو بر محوریت بدن در ادراک تأکید دارند، نگاه ملاصدرا غایت‌مند و معطوف به تعالی نفس است، درحالی که رویکرد مرلو-پونتی سکولار و معطوف به تجربه زیسته این جهانی است. این تقابل، تفاوت در مبانی انسان‌شناختی دو دیدگاه را آشکار می‌کند. «نقش بدن در شکل‌گیری عمل با تأکید بر دیدگاه ملاصدرا» مقاله‌ای است که شهگلی (۱۴۰۳) در آن با بررسی مفاهیمی چون حرکت جوهری و وحدت نفس و بدن، نقش‌های چندگانه بدن را در فرآیند عمل انسانی تبیین می‌کند. این مقاله بدن را شرط ضروری تحقق عمل و ابزار تکامل نفس معرفی کرده و بر نقش آن در شکل‌گیری ملکات نفسانی تأکید می‌ورزد.

فضلی (۱۴۰۲) در مقاله «چرایی و چگونگی تأثیر سلامت معنوی بر سلامت جسمانی بر پایه فلسفه و حکمت علوی» نیز با بررسی آرای مکاتب فلسفی اسلامی و استناد به آیات و روایات، رابطه وجودی و تأثیر متقابل احوال نفس (معنویت) بر سلامت جسمانی را توضیح می‌دهد.

مطالعات خارجی در حوزه سواد بدنی عمدتاً به ابعاد سکولار و عملکردی متمرکز هستند و تلاش دارند این حوزه را در سیاست‌گذاری‌های آموزشی نیز وارد نمایند. به عنوان نمونه لیو^۲ و همکاران (۲۰۲۳) رابطه مثبت و

1- George Brady.

2- Rudd.

معنادار بین نمره سواد بدنی (به ویژه مؤلفه‌های انگیزه و خودکارآمدی) و رعایت سبک زندگی سالم را نشان داده‌اند. این یافته‌ها بر کاربردپذیری و اثر بخشی عملی این چارچوب در ارتقای سلامت تأکید دارند. راد^۱ و همکاران (۲۰۲۰) در مقاله‌ای سواد بدنی را سفری برای غنای فردی می‌داند و بر یادگیری غیرخطی، محیط‌های غنی‌شده و کشف راه‌حل‌های حرکتی خلاقانه تأکید دارد. پژوهش‌های داخلی نیز به توسعه و بومی‌سازی این مفهوم پرداخته‌اند؛ برای مثال، محمدزاده و همکاران (۱۴۰۰) با استفاده از نظریه داده‌بنیاد مدلی جامع از سواد بدنی در ایران ارائه داده‌اند که عوامل سازمانی و غیرسازمانی مؤثر بر آن را شناسایی می‌کند. محمدی و همکاران (۱۴۰۰) نیز چارچوبی سه‌بعدی از شایستگی‌های سواد بدنی مورد نیاز دانشجویان طراحی کرده‌اند. نقی‌پور گیوی و همکاران (۱۴۰۳) با ارائه مدلی چهاربعدی و شناسایی الزامات اجرایی، بر پیاده‌سازی سواد بدنی در مدارس تمرکز کرده‌اند. با این حال، علیرغم غنای عملیاتی، این مدل‌ها عمدتاً در چارچوب سکولار و بدون ارجاع به ابعاد متعالی بدن طراحی شده‌اند.

بر اساس آنچه از بررسی پیشینه پژوهش به دست می‌آید پژوهشی که به تلفیق این دو حوزه پرداخته باشد و در پرتو مبانی وجودی- معنوی بتواند بعد معنویت و غایت‌مندی را به حیطه سواد بدنی اضافه نماید و الگوی «سواد بدنی معنوی- وجودی» را ارائه نماید، خلأیی است که ضرورت انجام این پژوهش را آشکار می‌سازد تا نیاز به تربیت بدن در جوامع اسلامی، از حیطه‌ای صرفاً ورزشی و فنی و سلامت جسمی، به سمت سلامت معنوی ارتقا یابد.

۲. مبانی نظری پژوهش

۲-۱- سواد بدنی^۲

«سواد بدنی» یک رویکرد نوین در حوزه علوم تربیت بدنی و علوم حرکتی است که توسط «مارگارت وایت‌هد»^۳ در دهه ۱۹۹۰ میلادی مطرح شد و به سرعت به چارچوبی اساسی در سیاست‌گذاری‌های آموزشی بسیاری از کشورها تبدیل گردید. این مفهوم، پاسخی است به ناکارآمدی رویکردهای سنتی مهارت‌محور که بدن را به عنوان ماشینی برای اجرای تکنیک‌های ورزشی در نظر می‌گرفتند. وایت‌هد سواد بدنی را اینگونه تعریف می‌کند: «سواد بدنی از انگیزه، اعتماد به نفس، خودکارآمدی فیزیکی، دانش و فهمی تشکیل شده است که افراد را قادر می‌سازد تا در طول زندگی، فعالیت‌های بدنی را با کیفیت، داوطلبانه و با شناخت انجام دهند» (Whitehead, 2010: 30).

این تعریف بر سه مؤلفه کلیدی استوار است که به هم پیوسته عمل می‌کنند:

1- Liu.

2- Physical Literacy.

3 - Margaret Whitehead

الف- خودکارآمدی فیزیکی:^۱ این بعد، به توسعه مهارت‌های حرکتی بنیادین و تطبیق‌پذیری در محیط‌های مختلف اشاره دارد. برخلاف رویکردهای تکنیک‌محور قدیمی، تأکید بر «کفایت» است نه «برتری»، و بر اجرای مهارت در شرایط واقعی و متنوع زندگی تمرکز دارد (Whitehead, 2019: 22).

ب- انگیزه و اعتماد به نفس:^۲ این مؤلفه، قلب تپنده سواد بدنی است. هدف، پرورش نگرش مثبت درونی، لذت ذاتی از حرکت و باور به توانایی‌های فردی است. بدون این بعد عاطفی-روانی، حتی فردی با مهارت بالا ممکن است از مشارکت در فعالیت بدنی اجتناب کند (Whitehead, 2010: 33).

ج- دانش و فهم:^۳ این بعد فراتر از آگاهی‌های شناختی صرف است و شامل «ادراک بدنی»، درک تأثیر فعالیت بر سلامت، و آگاهی از چگونگی تعامل با محیط فیزیکی و اجتماعی می‌شود. این دانش، عمده‌تأ از طریق تجربه مستقیم و انعکاسی حاصل می‌آید (Whitehead, 2010: 37).

دست‌آورد اصلی این چارچوب، گذار از آموزش حرکات مجزا، به پرورش تجربه زیسته یکپارچه از طریق بدن است. (Whitehead, 2010: 18) سواد بدنی با تکیه بر فلسفه پدیدارشناسی (به ویژه آرای مرلو-پونتی)^۴، انسان را به عنوان «هستی بدنمند در جهان»^۵ می‌فهمد؛ موجودی که دانش، هویت و ارتباط او با جهان، از مجرای بدن شکل می‌گیرد. این نگرش یکپارچه،^۶ به شکلی مؤثر، دوگانگی جوهری^۷ میان ذهن و بدن را رد می‌کند و فعالیت بدنی را به بخشی ضروری از ساخت معنا در زندگی فرد تبدیل می‌نماید (Whitehead, 2010: 18). در سطح عملی، این رویکرد تنها به افزایش فعالیت مادام‌العمر نمی‌انجامد، بلکه به ارتقای سلامت عمومی و تقویت حس تعلق و شایستگی در افراد و تجربه معنادار و مثبت از بودن در جسم می‌انجامد (Whitehead, 2019: 15).

با وجود این دست‌آوردها، سواد بدنی از منظر فلسفی با انتقادهای بنیادینی روبروست که ریشه در مبانی انسان‌شناختی سکولار و فرهنگ مدرن غربی آن دارد. این محدودیت‌ها در سه محور اصلی قابل شناسایی است: الف- سکولاریسم ضمنی و غفلت از امر متعالی: سواد بدنی عامدانه و به دلایل جهان‌شمول‌سازی، خود را در چارچوبی سکولار تعریف می‌کند. وایت‌هد صراحتاً اعلام می‌کند که این مفهوم برای پرهیز از درگیری با باورهای متافیزیکی یا دینی طراحی شده است (Whitehead, 2019: 8). این انتخاب اگرچه از منظر سیاست‌گذاری آموزشی در جوامع چندفرهنگی قابل درک است، اما به تقلیل انسان به ابعاد محسوس و تجربی منجر می‌شود. در این چارچوب، بدن «بزار تجربه در جهان» است و هرگونه ارجاع به منشأ الهی، هدف غایی

1- Physical Competence.

2 - Motivation and Confidence.

3- Knowledge and understanding.

4- Merleau-Ponty.

5- Embodied Being-in-the-World.

6- Holistic/Monistic.

7- Substantial Dualism.

متعالی (مانند قرب الهی یا سعادت اخروی) یا رابطه بدن با سیر تکاملی روح، غایب است. این افق بسته متافیزیکی، سواد بدنی را در پاسخگویی به نیازهای معنوی جوامعی با جهان‌بینی توحیدی، ناتوان می‌سازد. ب- فردگرایی لیبرال و تضعیف ابعاد اجتماعی-اخلاقی: هدف غایی سواد بدنی، توانمندسازی فرد برای انتخاب آگاهانه و داوطلبانه یک سبک زندگی فعال فردگرا تعریف شده است (Bailey et al, 2019: 138).

اگرچه این هدف در خود ارزشمند است، اما در بستر فلسفه لیبرال، بر استقلال فردی و حق انتخاب شخصی، به عنوان عالی‌ترین ارزش‌ها تأکید می‌ورزد. این امر باعث می‌شود ابعاد جمعی، مسئولیت‌پذیری اجتماعی و اخلاقی فعالیت بدنی کمرنگ گردد. فعالیت بدنی بیشتر به عنوان ابزاری برای «تحقق خویشتن فردی» دیده می‌شود تا فرصتی برای پرورش فضایل اخلاقی مشترک مانند ایثار، همکاری عمیق، عدالت یا خدمت به جامعه باشد. همچنین، این فردگرایی می‌تواند مفهوم «سلامت» را نیز به امری کاملاً شخصی تقلیل دهد.

ج- عدم تبیین رابطه بدن با هویت وجودی و کمال نهایی: در حالی که سواد بدنی بر یکپارچگی تأکید دارد، اما این یکپارچگی در افقی این‌جهانی و بدون غایت نهایی معنا می‌یابد. پرسش‌های بنیادینی مانند «این بدن من که در حرکت است، چه نسبتی با «من حقیقی» من دارد؟»، «حرکت من در راستای کدام سیر تکاملی است؟» یا «مرگ و تبدل بدن چه تأثیری بر این «سواد» دارد؟» در این چارچوب بی‌پاسخ می‌مانند. به عبارت دیگر، سواد بدنی فاقد یک غایت‌شناسی جامع است که بتواند جایگاه بدن و حرکت را در یک داستان بزرگ‌تر و معنادارتر از وجود انسان ترسیم کند. این خلأ، به ویژه در رویکردهای تربیتی که در پی پرورش انسان کامل هستند، به عنوان یک نقیصه محسوب می‌شود.

در نتیجه، می‌توان گفت سواد بدنی با تمام پیشرفت‌هایش، رویکردی ناتمام است. این مدل، اگرچه «چگو نه» مشارکت در فعالیت بدنی را به خوبی توضیح می‌دهد، اما در تبیین «چرایی» نهایی و «به کجا»ی این حرکت در افقی فرامادی قاصر است. این دقیقاً همان نقطه‌ای است که ظرفیت‌های حکمت متعالیه برای تکمیل، تعمیق و غنی‌سازی این چارچوب فکری وارد می‌شود.

۲.۲. حکمت متعالیه: بدن به مثابه معبر و پلکان تعالی

حکمت متعالیه، به عنوان نظام فلسفی-عرفانی صدرالدین شیرازی، نه تنها در برابر دوگانه‌انگاری افراطی (مانند دیدگاه افلاطونی که بدن را زندان روح می‌پندارد (Guthrie, 1995: 62-102) و ماده‌انگاری افراطی (که تمام حقیقت انسان را در جسم خلاصه می‌کند) می‌ایستد (Cunningham, 2000: 21)، بلکه با ارائه نظریه‌ای یکپارچه، پویا و غایت‌محور، انسان‌شناسی وجودی ژرفی عرضه می‌کند که در آن بدن جایگاهی محوری و معناساز دارد. مبانی این دیدگاه بر سه اصل بنیادین استوار است:

۲-۱-۲-۲ اصول کلیدی:

- اصالت وجود (صدرالدین شیرازی، ۱۹۸۱م: ۳۸/۱): در این نگاه، بدن نه یک «ماهیت» مستقل، بلکه مظهر و تجلی وجود در پایین‌ترین مراتب شدت و ضعف است. بدن، حقیقتی وجودی است که در سلسله مراتب تجلیات هستی قرار می‌گیرد (افضلی و عسکری، ۱۳۸۸: ۱۴۵-۱۴۶).

- تشکیک در وجود: وجود دارای مراتبی شدید و ضعیف است. (صدرالدین شیرازی، ۱۳۸۲: ۱۳۱/۲ و ۱۳۰) نفس و بدن دو وجود جداگانه نیستند، بلکه مراتب مختلف یک حقیقت واحد به نام انسان هستند. (صدرالدین شیرازی، ۱۹۸۱م: ۱۰۷/۹). بدن، مرتبه نازل‌تر و نفس، مرتبه شدیدتر همان وجود است؛ بنابراین نفس و بدن با هم وحدت دارند و تقسیم وجود به آنها تنها برای بیان درجات در همان حقیقت واحد است (صدرالدین شیرازی، ۱۹۸۱م: ۱۳۳-۱۳۵؛ ۲۸۶/۵).

- حرکت جوهری (صدرالدین شیرازی، ۱۹۸۱م: ۳۳۱-۳۲۹): نفس انسانی، نه ثابت، بلکه جوهری سیال است که ذاتاً و به طور مستمر در حال تحول، اشتداد و حرکت به سوی کمال است. (صدرالدین شیرازی، ۱۹۸۱م: ۸۶/۳). این حرکت، از مرتبه جسمانی (نباتی و حیوانی) آغاز و به سوی تجرد عقلانی (عقل بالفعل) و اتصال به مبدأ هستی سیر می‌کند (صدرالدین شیرازی، ۱۳۵۴، ص ۳۸۹)؛ که مبتنی بر اصل «جسمانیات الحدوث و روحانیت البقاء» است (صدرالدین شیرازی، ۱۹۸۱م: ۳۹۴/۸).

۲-۲-۲ مراتب سه‌گانه بدن و نسبت آن با سلامت:

به‌طور کلی، برای درک عمیق مراتب بدن و نسبت آن با سلامت در حکمت متعالیه، باید به سیر تکاملی اندیشه ملاصدرا، یعنی گذر از «نگاه ماهوی» به «اصالت وجود تشکیکی» و در نهایت «اصالت وجود با وحدت شخصی» توجه کرد (بابایی، ۱۴۰۲، ۱۱۲). مراتب سه‌گانه بدن، در واقع بازتاب این تحول هستی‌شناختی در ساحت انسان‌شناسی است که هر یک تعریف خاصی از سلامت را می‌طلبد:

در مرتبه نخست، بدن مادی و عنصری قرار دارد که با حواس قابل ادراک است (صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۰: ۲۸۵). این بدن، پایه و بستر ضروری تحقق نفس در جهان مادی به شمار می‌رود. (صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۰: ۲۲۱). در این مرحله که صدرا با عبور از نگاه صرفاً ماهوی سیر اول فلسفی خود، به نظریه «حادث جسمانی بودن نفس» می‌رسد (بابایی و موسوی، ۱۴۰۱، ص ۱۲۴)، نشان می‌دهد که نفس انسانی از درون تکامل همین بدن مادی پدید می‌آید (صدرالدین شیرازی، ۱۹۸۱م، ج ۸، ص ۳۸؛ همو، ۱۳۸۷، ص ۱۱۷). سلامت در این مرتبه، به معنای سلامت جسمانی است که شامل کارکرد بهینه اعضا، تناسب اندام و فقدان بیماری می‌شود. این سطح از سلامت، شرط لازم (اما نه کافی) برای تعالی و تکامل وجودی - معنوی انسان است، چرا که بستر مادی، فعالیت‌های والا تر را فراهم می‌سازد.

در مرتبه دوم، بدن مثالی یا نوری (بدن اصلی) مطرح می‌شود. این بدنی لطیف و از جنس عالم مثال است و پایین‌ترین مرتبه نفس ناطقه محسوب می‌گردد (صدرالدین شیرازی، ۱۳۵۴: ۳۳۷، ۳۸۵، ۲۵۰). این مرتبه، تجلی‌گاه «سیر دوم فلسفی» صدرا، یعنی نظریه «تشکیک وجود» است؛ جایی که بدن و نفس دیگر دو چیز جدا

نیستند، بلکه در یک طیف پیوسته و در طول هم قرار می‌گیرند. در این بستر، بدن مثالی محل تجلی قوای نفسانی مانند شهوت، غضب، واهمه و خیال، و همچنین کیفیات روانی است (صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۰، ص ۸۸) و مطابق با تعالیم اندیشمندان اسلامی، پس از مرگ نیز باقی می‌ماند (صدرالدین شیرازی، ۱۳۸۷، ص ۱۱۷؛ امام خمینی، ۱۳۸۵، ص ۲۴۰-۲۴۳؛ سبزواری، ۱۳۷۲، ص ۷۴۷؛ طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۱، ص ۳۰۰). سلامت در این سطح، به سلامت روانی-معنوی تعبیر می‌شود. منظور از سلامت در اینجا، تعادل و اعتدال قوای نفس تحت حکمرانی «قوه عاقله» است (ر.ک: صدرالدین شیرازی، ۱۹۸۱، ج ۸، ص ۱۳۰). این سلامت، به معنای کسب مهارت در مدیریت عواطف و هیجانات، پاکسازی قوه خیال و رفع رذایل اخلاقی از باطن است.

در مرتبه نهایی و سوم، بدن اخروی یا عقلی قرار دارد. این بدن، صورت نهایی و تجسم یافته ملکات و فضایل اخلاقی، نیت و اعمال انسان در عالم آخرت است که بر اساس «نظریه تجسم اعمال»، همان کارنامه وجودی فرد می‌گردد (صدرالدین شیرازی، ۱۳۵۴، ص ۳۴۴، ۴۶۶، ۱۲۴). این مرتبه، غایت «سیر سوم فلسفی» صدرا، یعنی «اصالت وجود با وحدت شخصی» را نشان می‌دهد؛ سیری که در آن هرگونه دوگانگی فرو می‌ریزد و حقیقت انسان به یگانگی می‌رسد. سلامت در این مرتبه، یک سلامت وجودی-معنوی اصیل و نهایی است. این سلامت، به معنای تحقق تدریجی فضایل اخلاقی و کسب «ملکات فاضله» در طول زندگی دنیوی است. سلامت نهایی انسان، دستیابی به «حیات طیبه» (نحل: ۹۷) است؛ یعنی زندگی‌ای سرشار از معنویت، آرامش حقیقی، قرب الهی و شکوفایی کامل استعدادهای کمال وجودی انسانی که سعادت دنیا و آخرت او را به دنبال دارد. با تأمل در سیر تکاملی فلسفه ملاصدرا و به‌ویژه با تکیه بر «سیر سوم فلسفی» (اصالت وجود و وحدت شخصی) که دیدگاه نهایی اوست، نفس حقیقتی ذومراتب است که بدن مرتبه نازل آن به‌شمار می‌رود. مراتب مختلف، از یک حقیقت واحد، تأثیری متقابل و دوطرفه بر یکدیگر دارند؛ به‌این‌معنا که سلامت بدن بر سلامت نفس اثر می‌گذارد و سلامت نفس نیز بر سلامت بدن تأثیر مستقیم دارد (صدرالدین شیرازی، ۱۹۸۱، ج ۴، ص ۱۵۶-۱۵۷).

بر این اساس، در اندیشه صدرا، سلامت وجودی - معنوی، فرآیندی یکپارچه و چندبعدی است که از تندرستی جسم آغاز می‌شود، با پالایش روان و تعدیل قوای درونی ادامه می‌یابد و در نهایت، به تجسم فضایل و حیات طیبه در وجود جاودانه انسان منتهی می‌گردد. این تبیین از بدن و سلامت در حکمت متعالیه، نه تنها ابعاد پنهان انسان‌شناسی صدرا را آشکار می‌سازد، بلکه بستر و مقدمه‌ای نظری فراهم می‌کند تا در گام‌های بعدی پژوهش، بتوان با عبور از تقلیل‌گرایی سواد بدنی متعارف، به بازتعریف و غنی‌سازی مؤلفه‌های آن بر مبنای این مبانی پرداخت.

۲-۳. بدن به مثابه «پلکان تعالی» و دلالت‌های تربیتی:

حکمت متعالیه با ارائه الگوی چندلایه و غایت‌مند، بدن را از حاشیه به داخل منظومه انسان‌شناسی خود می‌آورد. در این دیدگاه، سلامت بدن امری ساکن و حاشیه‌ای نیست، بلکه فرآیندی پویا در مراتب وجود است. همچنین حرکات بدنی، تنها تمرین بدن نیست، بلکه تربیت نفس از مجرای بدن است (صدرالدین شیرازی،

۱۳۵۸: ۹۶). این مبانی غنی، ظرفیت، بدن را از حاشیه به داخل منظومه انسان‌شناسی خود می‌آورد. در این نگاه، سلامت امری ایستا نیست، بلکه فرآیندی پویا از تعادل‌یابی در مراتب وجود است. حرکات بدنی، صرفاً تمرین بدن نیست، بلکه تربیت نفس از مجرای بدن و تمرین سلوک وجودی. این مبانی غنی، ظرفیت بی‌بدیلی برای غنی‌سازی، تعمیق و تکمیل چارچوب فکری سکولار سواد بدنی فراهم می‌آورد و آن را از حوزه مهارت و سلامتی محض به عرصه معنویت و تعالی وجودی ارتقاء می‌بخشد.

در این رویکرد، ملاصدرا بدن را معبر و یا نردبانی برای تعالی می‌خواند (صدرالدین شیرازی، ۱۹۸۱م: ۳۷۴/۹؛ ۳۳۰/۳-۳۳۱). این استعاره کلیدی، دلالت‌های عمیقی برای تربیت بدنی دارد:

- وحدت وجودی نفس و بدن: رابطه نفس و بدن، رابطه وحدت وجودی است، نه اتحاد دو چیز جداگانه. نفس حقیقتی واحد و ذو مراتب است، بدن جلوه نفس در هر مرحله از حرکت جوهری است. (صدرالدین شیرازی، ۱۹۸۱م: ۲۸۶/۵) و مراتب مختلف یک حقیقت واحد باهم در ارتباط هستند و از هم متأثر می‌شوند. بنابراین، هر تحولی در بدن از طریق حرکت آگاهانه می‌تواند مستقیماً بر تحول نفس که در جهت تعالی است تأثیر بگذارد.

- هدفمندی فعالیت بدنی: هر حرکت بدنی، در چارچوب حرکت جوهری نفس، می‌تواند شتاب‌دهنده تکامل وجودی باشد (صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۰: ۱۴۵ - ۱۴۶؛ کمالی و دیگران، ۱۴۰۰: ۱۴۸). زمانی که فعالیت با نیت الهی، حضور قلب و آگاهی از ابعاد وجودی - معنوی همراه شود، به عبادتی پویا، عمل صالح و گامی در مسیر قرب الهی تبدیل می‌گردد (صدرالدین شیرازی، ۱۹۸۱م: ۷/۱۲۵؛ نجفی و شیروانی، ۱۳۹۳: ۱۵۷).

- تربیت از طریق تکرار: تکرار اعمال بدنی نیکو؛ مانند ورزش همراه با اخلاق، منجر به شکل‌گیری ملکات نفسانی پایدار می‌شود. (صدرالدین شیرازی، بی تا، ص ۱۶۷) نظیر صبر در ورزش‌های استقامتی، انصاف در رقابت‌ها، همکاری در ورزش‌های تیمی، می‌توانند زمینه ساز پرورش فضایل اخلاقی مانند، فروتنی، مسئولیت‌پذیری، احترام، محبت، نظم و رعایت انصاف و... باشند. بنابراین، هر حرکت بدنی آگاهانه و نظاممند می‌تواند فرصتی برای شکل‌گیری شخصیتی معنوی و مسئولیت‌پذیر در نظر گرفته شود.

- مسئولیت‌پذیری اخلاقی - دینی: با توجه به نظریه تجسم اعمال در حکمت متعالیه و همچنین از آنجا که بدن مرتبه‌ای از وجود انسان و امانت الهی است (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق: ۱۶/۳۴۹)، مراقبت و بهره‌گیری صحیح از آن در محدوده انتخاب شخصی نیست، بلکه وظیفه‌ای در حوزه اخلاقی-دینی و مسئولیتی در قبال خالق محسوب می‌شود. این مسئولیت فراتر از حفظ سلامت جسمانی است؛ بلکه به چگونگی استفاده از بدن در جهت رشد معنوی انسان، خدمت به دیگران و حرکت در مسیر قرب به خداوند مربوط می‌شود.

۳- روش پژوهش:

این مقاله با هدف غنی‌سازی و ارتقاء نظریه «سواد بدنی» با تطبیق بر «بدن‌شناسی حکمت متعالیه» با رویکرد کلی، کیفی- تفسیری و متمرکز بر تحلیل متون و مقایسه نظام‌مند مفاهیم نگارش یافته و از روش تحقیق تطبیقی ساختاریافته جورج.زداف. بردی^۱ در چهار مرحله بهره برده است:

1 -Brady.

- مرحله ۱: توصیف: ارائه تصویری عینی و نظام‌مند از مفاهیم کلیدی هر دو رویکرد (سواد بدنی و حکمت متعالیه) با استناد مستقیم به متون اصلی.
- مرحله ۲: تفسیر: واکاوی پیش‌فرض‌های فلسفی، انسان‌شناختی و بافت‌های فرهنگی-تاریخی نهفته در پشت هر دیدگاه.
- مرحله ۳: همجواری: قراردادن نظام‌مند یافته‌های دو مرحله قبل در کنار هم، حول محورهای ازپیش‌تعیین‌شده (انسان‌شناسی، جایگاه بدن، تعریف سلامت، هدف غایی) و شناسایی نقاط تقابل و خلأ.
- مرحله ۴: مقایسه و سنتز: تحلیل نهایی تقابل‌ها برای استنتاج ظرفیت‌های مکمل و ارائه الگوی تلفیقی (Brady: 1969).

این پژوهش مبتنی بر مطالعه کتابخانه‌ای-اسنادی است. منابع اصلی در دو دسته طبقه‌بندی شدند:

۱) متون بنیادین و معتبر سواد بدنی به ویژه آثار مارگارت وایت‌هد (Whitehead: 1993; 2010, 2019) به عنوان خاستگاه نظریه؛ ادبیات توسعه‌یافته: مقالات، کتب و گزارش‌های مرجع انجمن جهانی سواد بدنی (IPLA) و دیگر پژوهشگران سرشناس این حوزه (مانند Bailey و همکاران: ۲۰۱۳؛ Robinson و همکاران: ۲۰۱۵).

۲) متون اصلی حکمت متعالیه (شامل الحکمة المتعالیة فی الاسفار العقلیة الاربعه، المبدأ و المعاد و الشواهد الربوبیه با توجه ویژه به بخش‌های مرتبط با نفس، بدن و حرکت جوهری)؛ متون ثانویه معتبر در تفسیر اندیشه وی، همراه با آیات و روایات مرتبط.

برای افزایش اعتبار پژوهش، از مثلث‌سازی منابع (استفاده از متون اولیه و ثانویه در هر حوزه) و بازبینی توسط هم‌تا (ارائه یافته‌های مراحل تحلیل به اساتید صاحب‌نظر در هر دو حوزه فلسفه اسلامی و علوم تربیت بدنی برای دریافت بازخورد) استفاده شده است. همچنین، توصیف دقیق فرآیند تحلیل در این نوشتار، امکان پیگیری و ارزیابی منطق پژوهش را برای خواننده فراهم می‌کند.

۴- یافته‌های پژوهش

۴-۱- مرحله ۱: توصیف داده‌ها:

هدف از این مرحله ارائه تصویری عینی و منظم از هر رویکرد، بدون قضاوت است:

توصیف عینی «سواد بدنی» بر اساس متون اصلی این نظریه: یک «سازه آموزشی مدرن» است که توسط مارگارت وایت‌هد در دهه ۱۹۹۰ صورت‌بندی شد. حول محور «تجربه زیسته بدن‌مند» در جهان شکل گرفته و دارای سه مؤلفه کلیدی درهم‌تنیده است: خودکارآمدی فیزیکی، انگیزه و اعتماد به نفس، دانش و فهم. هدف نهایی آن «مشارکت مادام‌العمر در فعالیت بدنی» است.

توصیف عینی «حکمت متعالیه» بر اساس متون اصلی این نظریه: یک «نظام وجودی- تکاملی» است که توسط صدرالدین شیرازی (ملاصدرا) بنیان نهاده شده. در این نظام، بدن مرتبه‌ای نازل از نفس و «معبر و پلکان

تعالی» نفس به سوی کمال الهی است (صدرالدین شیرازی، ۱۹۸۱م، صص ۴۷-۴۸). مفاهیم کلیدی آن شامل اصالت وجود، تشکیک وجود، حرکت جوهری، وحدت بدن و نفس، جسمانیت الحدوث و روحانیت البقاء بودن نفس می باشد. سلامت در این نگاه به «حیات طیبه» تعبیر می شود.

۲-۴- مرحله ۲: تفسیر

هدف از این مرحله کشف پیش فرض ها، مبانی فلسفی و بافت فرهنگی-تاریخی نهفته در پشت توصیف هاست.

رویکرد	تفسیر (پاسخ به «چرا چنین است؟»)
سواد بدنی	مبنای فلسفی: ریشه در پدیدارشناسی سکولار (به ویژه آرای مرلو-پونتی) دارد. جهان بینی: سکولار و غایت زدوده است. عامدانه از ابعاد متافیزیکی و دینی اجتناب می کند تا قابلیت تعمیم جهانی بیابد. انسان شناسی: انسان را به عنوان «هستی بدن مند در جهان» می فهمد و دوگانه انگاری دکارتی را رد می کند. ارزش محوری: فردگرایی لیبرال و حق انتخاب شخصی.
حکمت متعالیه	مبنای فلسفی: ریشه در اصالت وجود، تشکیک در مراتب هستی و حرکت جوهری دارد. جهان بینی: غایت محور، الهی و چندلایه است. بدن را در منظومه سلوک به سوی کمال مطلق می بیند. انسان شناسی: انسان را موجودی «وجودی-تکاملی» در سلسله مراتب هستی (از جسم تا نفس قدسی) می داند. ارزش محوری: قرب الهی، مراقبت و تربیت تואمان بدن و نفس که منجر به سلامت وجودی - معنوی و تحقق حیات طیبه گردد.

خروجی نهایی مراحل یک و دو، ایجاد دو بازنمایی مجزا و عمیق از سواد بدنی به عنوان یک سازه آموزشی مدرن سکولار و بدن شناسی حکمت متعالیه به عنوان یک نظام وجودی-تکاملی غایت محور می باشد.

۴-۳- مرحله ۳: همجواری:

۴.۲. یافته های مرحله همجواری:

منابع نمونه برای کدگذاری: از حوزه سواد بدنی: نقل قولی از مارگارت وایتهد (2010: 8):

«سواد بدنی یک قابلیت اساسی و ارزشمند انسانی است که می‌توان آن را به عنوان یک گرایش اکتسابی توسط افراد بشر توصیف کرد که شامل انگیزه، اعتماد به نفس، شایستگی بدنی، دانش و درکی است که فعالیت‌های بدنی هدفمند را به عنوان بخش جدایی‌ناپذیر از سبک زندگی آنها تثبیت می‌کند»^۱.

از حوزه حکمت متعالیه: بررسی دیدگاه ملاصدرا در مورد رابطه نفس و بدن و نقش بدن عمل صالح در تکامل نفس در آثار او به این مضمون می‌رسیم که:

نفس در حرکت جوهری خود، حرکت را از مرتبه حدوث جسمانی آغاز کرده و با تربیت بدن و تمرین اعمال صالح، به سوی تجرد و قرب الهی اشتداد می‌یابد. بدن در این مسیر، ظاهر نفس و معبر سلوک اوست» (صدرالدین شیرازی، ۱۹۸۱م: ۸/ ۳۰ - ۱۳۳؛ ۱/ ۲۲۱؛ ۷/۹).

الف- نمونه آغازین همجواری: کدگذاری باز و محوری

منبع	کدهای باز (مفاهیم کلیدی)	مقوله‌های محوری (حاصل کدگذاری محوری)
وایتهد	انگیزه درونی، اعتماد به نفس، شایستگی حرکتی، دانش عملی، سبک زندگی فعال، مشارکت داوطلبانه	- مؤلفه عاطفی - انگیزشی - مؤلفه حرکتی - عملکردی - مؤلفه شناختی - رفتاری
ملاصدرا	تربیت بدن، اعمال صالح، حرکت جوهری، اشتداد وجودی، قرب الهی، بدن به مثابه معبر و نردبان تعالی، سلوک وجودی	- بعد اخلاقی - عملی - بعد تکاملی - وجودی - بعد غایی - معنوی - جایگاه هستی‌شناختی بدن

نتیجه اولیه همجواری در سطح مفاهیم بنیادی، تفاوت معنادار جهت‌گیری این دو چارچوب فکری را به وضوح نشان می‌دهد. سواد بدنی با تمرکز بر کارکرد، انگیزش درونی و تثبیت یک سبک زندگی فعال، بدن را شرطی برای زندگی سالم در دنیای حاضر می‌داند. در مقابل، حکمت متعالیه با تأکید بر سلوک معنوی وجودی، قرب الهی و تربیت اخلاقی، بدن را معبری برای حرکت جوهری نفس و پلکانی برای تمرین و تعالی می‌نگرد (صدرالدین شیرازی، ۱۹۸۱م: ۲/۱). این تقابل، نه در روش‌ها، که در هسته‌ی متافیزیکی و غایت‌نهایی هر دو دیدگاه ریشه دارد.

ب) همجواری و مقایسه مولفه‌های کلیدی دو چارچوب فکری

1- "Physical literacy is a fundamental and valuable human capability that can be described as a disposition acquired by human individuals encompassing the motivation, confidence, physical competence, knowledge and understanding that establishes purposeful physical pursuits as an integral part of their lifestyle".

۲- «مباشرة العمل الخیر لتحصيل الهیة الاستعلائیة للنفس علی البدن و الهیة الانقیادیة الانقهاریة للبدن من النفس».

شاخص مقایسه	چارچوب فکری حکمت متعالیه	چارچوب فکری سواد بدنی	نتیجه همجواری: نقطه تقابل/خلاف
انسان شناسی	موجود «وجودی-تکاملی» در سلسله مراتب هستی؛ افق دنیوی-اخروی.	موجود یکپارچه «بدن مند در جهان» افق دنیوی.	موجودی وجودی و تکاملی در برابر موجودی یکپارچه و بدن مند
هدف غایی	قرب الهی و کمال نفس (سعادت دنیوی و اخروی)	مشارکت دنیوی در فعالیت بدنی	غایت اخروی-وجودی در مقابل غایت دنیوی
محرك اصلی	نیت قرب، انجام تکلیف، کسب ملکات فاضله	انگیزه درونی، لذت، سلامت روان تنی	انگیزش دینی-وجودی در برابر انگیزش سکولار-روان شناختی
جایگاه بدن	مجرا و معبر تربیت و تکامل نفس، حقیقتی وجودی است که در سلسله مراتب تجلیات هستی قرار می گیرد.	ابزار تجربه و تعامل با محیط (پدیدارشناسی)	بدن حقیقتی وجودی و امانت الهی در مقابل بدن به عنوان ابزار تجربه جهان مادی
نقش فعالیت بدنی	تمرین فضیلت، ابزار تکامل انسان، حرکت جوهری، عبادت پویا	ایجاد عادت سالم، تقویت سلامت، پرکردن اوقات فراغت	عملیات تربیتی و عبادی در مقابل فعالیت بهداشتی و تفریحی صرف
مفهوم سلامت	سلامت وجودی (جسم، نفس، روح در سلسله مراتب)	سلامت روان تنی (جسم و روان)	سلامت چندلایه و غایت مند در مقابل سلامت دوبعدی جسم و روان
مبانی فلسفی	اصالت وجود، تشکیک در مراتب هستی، حرکت جوهری، غایت شناسی توحیدی.	پدیدارشناسی سکولار، فردگرایی لیبرال، عمل گرایی.	مبانی توحیدی در برابر مبانی سکولار

۴-۴- مرحله چهارم: مقایسه دو چارچوب فکری با رویکرد غنی سازی نظریه سواد بدنی

بررسی نظام مند تقابل های شناسایی شده در مرحله همجواری، فراتر از یک مقایسه توصیفی، پنج خلأ بنیادین در چارچوب فکری سواد بدنی را آشکار می سازد. این خلأها تنها کمبودهایی حاشیه ای نیستند، بلکه شکاف هایی ساختاری هستند که ریشه در مبانی انسان شناختی سکولار و غایت شناسی تقلیل یافته این

رویکرد دارند. هر خلاً، نقطه‌ای برای ورود و غنابخشی به این نظریه توسط حکمت متعالیه است که در ۵ محور اصلی قابل شناسایی است:

۱. خلاً غایت‌شناسی

یکی از مهم‌ترین نقص‌های مدل‌های موجود سواد بدنی، نبود چرایی نهایی برای حرکت و فعالیت بدنی است. هدف‌هایی مانند تندرستی یا موفقیت فردی، هرچند ارزشمندند، اما پرسش از سعادت حقیقی و مقصد نهایی وجودی را بی‌پاسخ می‌گذارند. حکمت متعالیه این خلاً را با ارائه غایت «قرب الهی» و «حیات طیبه» پر می‌کند. بر اساس حرکت جوهری نفس، هر حرکت بدنی نه تنها یک کنش زیستی، بلکه گامی در مسیر کمال‌جویی است و فعالیت بدنی را به سفری روحانی و معنادار تبدیل می‌کند.

۲. خلاً انگیزش معنوی-اخلاقی

در رویکردهای مرسوم، انگیزه‌ها عمدتاً بر لذت روان‌شناختی، سلامت سکولار یا موفقیت ظاهری متمرکز است؛ انگیزه‌هایی که ذاتاً ناپایدار و در معرض تغییرند. اما حکمت متعالیه، انگیزه را به «نیت قرب» و «کسب رضایت الهی» ارتقا می‌دهد. در این دیدگاه، بدن به‌عنوان امانتی الهی تلقی می‌شود؛ بنابراین حرکت و نگهداری از آن، نه یک انتخاب فردی، بلکه وظیفه اخلاقی و مسئولانه در قبال این امانت خواهد بود که عمق و پایداری بی‌نظیری به انگیزش می‌بخشد.

۳. خلاً هستی‌شناسی بدن

در مدل‌های موجود، بدن اغلب یا به‌مثابه «ابزار تجربه» (در نگاه پدیدارشناختی) یا سازواره‌ای صرفاً زیستی فهمیده می‌شود. این تلقی، هویت وجودی بدن و پیوند عمیق آن با «من حقیقی و متعالی» انسان را نادیده می‌گیرد. حکمت متعالیه با اصالت وجود، تشکیک وجودی و حرکت جوهری، بدن را مرتبه‌ای نازل از یک وجود واحد و در عین حال تکامل‌یابنده معرفی می‌کند؛ به‌گونه‌ای که نفس از طریق بدن، سیر و سلوک دارد و تربیت و تکامل آن از مجرای بدن صورت می‌پذیرد. بدن در این نگاه، معبر و پلکان تعالی و تجلی‌گاه نفس در مرتبه مادی است.

۴. خلاً بعد اخلاقی به‌عنوان هدف مستقل

در رویکردهای معمول، اخلاق در حاشیه و غالباً ذیل «منش ورزشکاری» خلاصه می‌شود و فعالیت بدنی بیشتر فنی، سلامتی‌محور یا تفریحی تعریف می‌گردد. اما حکمت متعالیه، تربیت بدن را با «تخلق به اخلاق الله» پیوند می‌زند؛ بدین معنا که هر حرکت بدنی آگاهانه، می‌تواند تمرین عملی فضیلت‌هایی چون حلم، صبر، مسئولیت‌پذیری، انصاف و سازنده ملکات نفسانی باشد. در این چارچوب، اخلاق نه یک حاشیه، بلکه هدفی اصیل و مستقل در تربیت بدنی به شمار می‌رود.

۵. خلاّ یکپارچگی عمیق

مدل‌های رایج، یکپارچگی را در بهترین حالت به هماهنگی روان-تنی (ذهن-بدن) محدود می‌کنند و توان ترسیم ارتباط بدن با مراتب عالی‌تر وجود (نفس، عقل، روح) و غایت اخروی را ندارند. در مقابل، حکمت متعالیه با نظریه مراتب سه‌گانه بدن (محسوس، مثالی، اخروی) در پرتو حرکت جوهری، تصویری ژرف از سلسله‌مراتب وجود ارائه می‌دهد. بر این اساس، سلامتی جسم، زمینه‌ساز اعمال صالحه با بدن جسمانی و مقدمه‌ای برای سلامت روانی-معنوی و در نهایت، تحقق «بدن نورانی اخروی» است. این نگاه، یکپارچگی را از سطح جسمانی به سطح تعالی‌نگر و اخروی گسترش می‌دهد.

۲-۴-۴- ارائه الگوی تلفیقی «سواد بدنی وجودی- معنوی»

بر اساس تحلیل فوق، الگوی تلفیقی «سواد بدنی معنوی-وجودی» به عنوان چارچوبی جامع یکپارچه ارائه می‌گردد که با حفظ دستاوردهای کاربردی و علمی سواد بدنی متعارف، آن را در افق انسان‌شناختی ژرف‌تر و غایت‌مند حکمت متعالیه بازتعریف و تعالی می‌بخشد. این الگو نه تنها به دنبال تکمیل خلاءهای نظریه سواد بدنی است، بلکه قصد دارد با ایجاد یک تحول در چارچوب فکری، فعالیت بدنی را از حیطه‌ی سکولار و عملکردگرا به عرصه‌ای وجودی - معنوی ارتقاء دهد. مؤلفه‌های چهارگانه این الگو به شرح زیر تبیین می‌گردند:

- خودکارآمدی فیزیکی توأم با آگاهی از بدن به مثابه معبر و پلکان تعالی

در این مؤلفه، مفهوم خودکارآمدی که در سواد بدنی به تسلط کارکردی بر بدن اشاره دارد، با بینش حکمت متعالیه عمق و جهت می‌یابد. بر اساس نظریه حرکت جوهری و وحدت نفس و بدن، بدن صرفاً یک ابزار بیرونی نیست، بلکه «نردبانی وجودی» و مرتبه‌ای نازل از نفس است که شرط لازم امکان صعود و تعالی آن به شمار می‌رود. بنابراین، خودکارآمدی بدین معناست که فرد بتواند با آگاهی و مهارت، از این پلکان وجودی برای ارتقای مرتبه نفسانی خود بهره‌برد. این آگاهی ریشه در فهم تشکیک وجود دارد؛ یعنی درک این مفهوم که بدن، ظهور و تجلی نفس در مرتبه مادی است (صدرالدین شیرازی، ۱۳۷۹: ۸/ ۱۳۳-۱۳۵). در تربیت بدنی، این به معنای تلفیق تمرینات مهارتی با تمرین حضور ذهن در حرکت است، یعنی فرد نه تنها حرکت ورزشی را انجام دهد، بلکه در حین آن، به این واقعیت پی‌برد که بدن و نفس دو چیز جداگانه نیستند، بلکه با هم وحدت وجودی دارند؛ بدن، چیزی «بیرونی» یا تنها متعلق به او نیست؛ بلکه ظهور نفس در عالم ماده است. بنابراین، در هر حرکت آگاهانه، فرد بدن را نه به‌عنوان «چیزی که دارد»، بلکه به‌عنوان «شکلی از وجود خود در این مرتبه زیستی» تجربه می‌کند.

- انگیزه و اعتماد به نفس برآمده از نیت الهی و مسئولیت‌پذیری اخلاقی

انگیزه در این الگو از سطح روان‌شناختی لذت و موفقیت فردی، به سطحی اخلاقی ارتقا می‌یابد. بر مبنای آموزه «بدن، امانت الهی»، محرک اصلی برای فعالیت بدنی، ادای امانت و بهره‌برداری شایسته از این موهبت الهی در مسیر عبودیت، عمل صالح و خدمت به خلق می‌شود. به طور همزمان، اعتماد به نفس نیز از «باور به توانایی‌های جسمانی» صرف، به «توکل فعال» و خود باوری ژرف‌تر تبدیل می‌شود؛ باوری مبنی بر این که

خداوند استعداد حرکت به سوی کمال را در نهاد انسان نهاده و همراه اوست (احزاب: ۷۲؛ طباطبایی، ۱۴۱۷ ق: ۱۶/ ۳۴۹)؛^۱ در حوزه عملی، این نگاه مستلزم طراحی محتوای آموزشی در علوم تربیت بدنی است که در آنها نیت و انگیزه نقش محوری دارد؛ مانند انجام فعالیت استقامتی با قصد تقویت قوای جسمانی برای عبادت بهتر، یا مشارکت در فعالیت‌های گروهی با نیت تمرین فضایل الهی مانند ایثار و تعاون. در چنین فضایی، ارزیابی تنها به کمیت مشارکت محدود نمی‌شود و به کیفیت نیت و مسئولیت‌پذیری اخلاقی فرد نیز توجه می‌کند.

- دانش و فهم گسترده‌شده تا درک فلسفی حرکت جوهری و تجسم اعمال

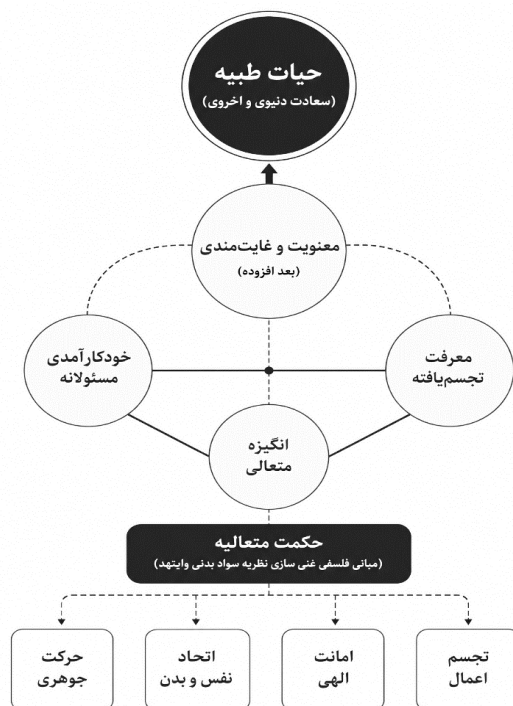
بعد دانش در این الگو، فراتر از آگاهی‌های بیومکانیکی، فیزیولوژیکی و روان‌شناختی رفته و فلسفه بدن و حرکت را در بر می‌گیرد. این بدان معناست که فرد باید در حد فهم خود، مفاهیم کلیدی حکمت متعالیه مانند حرکت جوهری (این که هر حرکت بدنی، تغییری در جوهر و حیات وجودی او است) و تجسم اعمال (این که عادت‌های حرکتی امروز، سازنده بدن و شخصیت اخروی هستند) را دریابد. این دانش وجودی به فعالیت بدنی عمق، معنا و جهتی غایی می‌بخشد و آن را از یک «عادت سالم» صرف، به یک «پروژه وجودی» هویت‌ساز تبدیل می‌کند. عملیاتی‌سازی این مؤلفه می‌تواند مثلاً از طریق گنجاندن گفت‌وگوهای فلسفی ساده‌شده در کلاس تربیت بدنی، استفاده از تمثیل و داستان، و تشویق به تأمل درباره تأثیرات پنهان حرکات بر روح و شخصیت صورت پذیرد.

- بعد چهارم: معنویت و غایت‌مندی

بعد چهارم، با عنوان معنویت و غایت‌مندی، هسته اصلی الگوی تلفیقی را تشکیل می‌دهد. این مؤلفه، فعالیت بدنی را از سطحی صرفاً کاربردی و بهداشتی، به سطحی معناساز و غایت‌محور ارتقا می‌دهد. در این نگاه، حرکت دیگر یک هدف نیست، بلکه وسیله‌ای برای تحقق هدفی برتر، یعنی قرب و رضایت الهی و کسب فضایل اخلاقی، می‌شود. بر اساس مبانی حکمت متعالیه، بدن معبر و پلکان تعالی نفس در مسیر تکاملش است. بنابراین، هر فعالیت بدنی آگاهانه، فرصتی است برای تمرین فضیلت‌ورزی و شکل‌دادن به ملکات اخلاقی پایدار. در اوج این فرآیند، فرد می‌تواند در حالت تمرکز عمیق تجربه‌ای فراتر از خود آگاهی فردی را بیابد؛ تجربه‌ای که در آن، حرکت، به عبادتی پویا و رسیدن به خویش‌شن متعالی تبدیل می‌شود. هدف نهایی در این سطح، دستیابی به حیات طیبه است: زندگی‌ای سرشار از معنویت و تعادل که در آن، سلامت جسم، پله‌ای برای تعالی نفس و نزدیکی به خالق می‌شود.

۱- إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا (احزاب: ۷۲).

نمودار الگوی سواد بدنی معنوی-وجودی: مؤلفه‌ها و محتوای تلفیقی



۵- بحث و نتیجه گیری

به طور کلی الگوی «سواد بدنی معنوی-وجودی» ارائه شده در این پژوهش، بازسازی فلسفی نظریه سواد بدنی در پرتو انسان‌شناسی حکمت متعالیه است. در این الگو، مؤلفه‌های رایج سواد بدنی حفظ شده‌اند، اما با تغییر در مبانی انسان‌شناختی و غایت‌شناختی، معنایی عمیق‌تر یافته‌اند؛ به گونه‌ای که خودکارآمدی به مسئولیت دینی و اخلاقی در قبال بدن، انگیزش به نیت قرب الهی، و دانش به معرفت تنانه نفس ارتقا می‌یابد و «معنویت و غایت‌مندی» به عنوان هسته مرکزی الگو، انسجام‌بخش سایر مؤلفه‌ها می‌شود. این تفسیر با مبانی اولیه نظریه سواد بدنی نیز همسو است؛ زیرا وایتهد سواد بدنی را مفهومی کل‌نگر و فراتر از مهارت‌های حرکتی صرف می‌داند، هرچند آن را در چارچوبی سکولار صورت‌بندی می‌کند. از سوی دیگر، حکمت متعالیه با مفاهیمی همچون حرکت جوهری، وحدت نفس و بدن و غایت‌مندی وجود، ظرفیت نظری لازم را برای تکمیل این چارچوب فراهم می‌آورد. همچنین، نتایج پژوهش‌های لیو و همکاران درباره نقش انگیزش و خودکارآمدی در ارتقای سبک زندگی سالم، یافته‌های راد و همکاران درباره ماهیت تحول‌پذیر سواد بدنی، و پژوهش‌های اسدی و همکاران، شه‌گلی و فضلی درباره جایگاه وجودی بدن و پیوند سلامت جسمانی با تعالی معنوی، همگی به‌طور غیرمستقیم از منطق نظری الگوی پیشنهادی حمایت می‌کنند. از این رو، الگوی حاضر را می‌توان گامی در جهت بومی‌سازی و غنی‌سازی فلسفی نظریه سواد بدنی برای نظام تربیتی اسلامی دانست.

این پژوهش با انجام یک مطالعه تطبیقی ساختاریافته نشان داد که نظریه جهانی «سواد بدنی» اگرچه دستاوردهای ارزشمندی در ترویج مشارکت پایدار در فعالیت‌های بدنی و نگرش یکپارچه به ابعاد جسمانی و روانی انسان داشته است، اما به دلیل ریشه‌گیری در انسان‌شناسی سکولار و فلسفه پدیدارشناسانه غرب، از پرداختن به ابعاد متعالی، معنوی و غایت‌مند وجود انسان غافل مانده است. این غفلت، منجر به پنج خلأ بنیادین در این رویکرد گردیده است: فقدان غایت‌شناسی فردانیوی، محدود بودن انگیزش به سطح سکولار و روان‌شناختی، تقلیل بدن به «ابزار تجربه» و نادیده گرفتن هویت وجودی- معنوی آن، کمرنگ بودن بعد اخلاقی، و محدودیت مفهوم یکپارچگی به هماهنگی روان‌تنی، بدون در نظر گرفتن مراتب عالی‌تر وجود. در مقابل، حکمت متعالیه صدرایی با ارائه مفاهیمی کلیدی مانند اصالت وجود، تشکیک در مراتب وجود، حرکت جوهری و تجسم اعمال، منظومه‌ای جامع، پویا و غایت‌محور عرضه می‌کند که در آن بدن نه زندان روح یا ابزار صرف، بلکه «مرتب‌ای نازل از نفس» و «پلکان تعالی» در مسیر اشتداد وجودی به سوی کمال مطلق و قرب الهی تلقی می‌شود. سلامت در این نگاه، فرآیندی پویا و چندلایه است که از سلامت جسمانی به عنوان پایه‌ای ضروری آغاز شده و به «سلامت معنوی» یا «حیات طیبه» منتهی می‌گردد. بر این اساس، پژوهش حاضر با هدف تلفیق تطبیقی این دو نظام فکری، الگوی «سواد بدنی معنوی-وجودی» را به عنوان چارچوبی جامع پیشنهاد می‌کند. این الگو با حفظ دستاوردهای کاربردی سواد بدنی متعارف، سه مؤلفه اصلی آن (خودکارآمدی فیزیکی، انگیزه و اعتماد به نفس، دانش و فهم) را در پرتو مبانی حکمت متعالیه بازتعریف کرده و بعد چهارم «معنویت و غایت‌مندی» را به آن می‌افزاید. در این بازتعریف، خودکارآمدی به «مسئولیت‌پذیری وجودی در قبال بدن به مثابه امانت الهی» تعالی می‌یابد، انگیزه از لذت فردی به «نیت قرب و رضایت الهی و ادای تکلیف» ارتقا پیدا می‌کند، و دانش از آگاهی‌های عملیاتی به «معرفت تنانه نفس» و درک فلسفه حرکت جوهری گسترش می‌یابد. بعد چهارم نیز فعالیت بدنی را به «عبادتی پویا»، «تمرین فضیلت» و «گامی در مسیر تحقق حیات طیبه» تبدیل می‌نماید.

در تحلیل الگوی ارائه شده باید گفت: این الگو، سه گذار از مفهوم کلیدی و به‌هم‌پیوسته را در تربیت بدنی محقق می‌سازد:

۱. گذار از مهارت‌محوری صرف به معناجویی و غایت‌مداری: در این گذار، حرکت بدنی از هدفی در خود، به وسیله‌ای برای جست‌وجوی معنا و ابزاری برای تعالی وجودی تبدیل می‌شود. پرسش «چرا حرکت می‌کنم؟» پاسخی فراتر از سلامت و لذت می‌یابد.

۲. گذار از سلامت روان‌تنی به سلامت وجودی (حیات طیبه): مفهوم سلامت از یک وضعیت ایستای جسمانی-روانی، به فرآیند پویای «حیات طیبه» تعالی می‌یابد؛ حیاتی که سلامت جسم را پله اول، تعادل نفس را پله دوم، و قرب الهی را غایت نهایی خود می‌داند.

۳. گذار از تربیت بدنی به تربیت نفس از مجرای بدن: در این تحول نهایی، سواد بدنی به ابزاری برای پرورش فضایل اخلاقی و مسیری برای تجربه‌های معنوی تبدیل می‌شود. مربی، از آموزش‌دهنده فنی به مرشد تربیتی و همراه سلوک ارتقا می‌یابد.

مرحله مقایسه و ارائه الگو تلفیقی، گواه این واقعیت است که «بدن شناسی حکمت متعالیه»، فراتر از نظریه «سواد بدنی» عمل کرده و ظرفیتی بی‌بدیل برای تکمیل و تعمیق آن در اختیار می‌نهد. این تعامل، تنها یک الحاق صوری یا تلفیق مکانیکی نیست، بلکه بنیانی برای یک تحول عمیق در منظومه فکری تنانه فراهم می‌آورد؛ تحولی که ضمن حفظ و بهره‌گیری از دستاوردهای علمی، روش‌شناختی و کاربردی سواد بدنی، آن را از چارچوب محدود و افق بسته سکولار خود فراتر برده و در پهنه گسترده و غایت‌مند یک جهان‌بینی وجودی-توحیدی قرار می‌دهد. الگوی پیشنهادی «سواد بدنی معنوی-وجودی» که برآمده از این الگوی تلفیقی است، چارچوبی نظری و عملیاتی برای بازآفرینی یک الگوی بومی-اسلامی در عرصه تربیت بدنی جوامع اسلامی ارائه می‌دهد. در این چارچوب نوین، هر حرکت و جنبش بدنی از سطح یک فعالیت صرفاً بهداشتی، تفریحی یا مهارتی فراتر رفته و به «گامی آگاهانه در مسیر تحقق هنر بودن» تعبیر می‌شود. این «هنر بودن» متعالی، همان سلوک وجودی انسان به سوی کمال مطلق است؛ سفری که در آن، بدن به ابزار و بیانی هنرمندانه برای آفرینش خویشتن متعالی و تجلی جمال الهی در حرکتی آگاهانه و نیت‌مند تبدیل می‌گردد. نتیجه نهایی این گذار، درکی ژرف و وجودی از تربیت بدن به مثابه هنر زیستن متوجه به مبدأ است.

در نهایت باید توجه داشت، تمرکز نظری بر متون و غفلت از مطالعات میدانی، ذهنی‌بودن مفاهیمی مانند «نیت قرب» و دشواری سنجش آن، و چالش عملیاتی‌سازی الگو در بافت‌های آموزشی گوناگون از مهم‌ترین محدودیت‌های این مطالعه هستند. از این‌رو، اجرای موفق این الگو مستلزم تمهید راهکارهای عملی در سطوح مختلف برنامه ریزی آموزشی، ارزشیابی از عملکرد و تربیت نیروی انسانی است. بنابراین پیشنهاد می‌شود برای نظام آموزشی ایران، بازنگری در برنامه‌های درسی تربیت بدنی همسو با «حیات طیبه» که در سند تحول بنیادین بر آن تاکید شده انجام گردد و مبتنی بر آن برنامه‌های درسی رشته‌های علوم ورزشی و تربیت معلم بازطراحی گردد. در عرصه پژوهش نیز، انجام مطالعات آتی با روش‌های آمیخته برای سنجش اثربخشی این الگو، پژوهش‌های کیفی برای واکاوی تجربه‌های زیسته، و اقدام‌پژوهی‌های میدانی توسط مربیان برای غنا بخشی عملی به این الگو، پیشنهاد می‌گردد.

فهرست منابع:

- قرآن کریم.
- افضلی، جمعه خان؛ و عسکری سلیمانی، امیر (۱۳۸۸). رابطه نفس و بدن در انسان‌شناسی ملاصدرا، معرفت فلسفی، ۶ (۲۳): ۱۱۹-۱۵۲.
- اسدی، سعید؛ گودرزی، حجت؛ و توحیدی فر، نرجس (۱۳۹۸). تحلیل تطبیقی ادراک بدن‌مند نزد ملاصدرا و موريس مرلو-پونتی، فلسفه تحلیلی، (۳۶): ۵-۲۲.
- بابایی، علی (۱۴۰۲). تحولات علم بر مبنای سه سیر فلسفی؛ نگاه ماهوی، اصالت وجود وحدت تشکیکی و وحدت شخصی، پژوهش‌های فلسفی، ۱۷ (۴۴): ۱۰۸-۱۲۹.
- بابایی، علی و موسوی، سید مختار (۱۴۰۱). سه مرتبه حرکت بر مبنایی سه سیر فلسفی ملاصدرا؛ حرکت طبیعی، حرکت جوهری و حرکت تجدد امثال، پژوهش‌های فلسفی، ۱۶ (۳۸): ۱۱۹-۱۵۳.

- خمینی، روح الله (۱۳۸۵). *تقریرات فلسفه امام خمینی (ره)*، ج ۳، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- سبزواری، ملاهادی (۱۳۷۲). *شرح الاسماء الحسنی*، تهران: دانشگاه تهران.
- شهگل، احمد (۱۴۰۳). نقش بدن در شکل گیری عمل با تأکید بر دیدگاه ملاصدرا، *حکمت صدرایی*، ۱۳(۱): ۷۷-۸۸.
- کمالی، محمد مهدی؛ شه گلی، احمد؛ و پارسایی، جواد (۱۴۰۰). نقش بدن در پیدایش ادراکات عقلی از منظر ابن سینا و ملاصدرا، *حکمت سینوی*، ۲۵ (۶۵): ۱۳۳-۱۵۲.
- عبودیت، عبدالرسول (۱۳۸۵). *درآمدی به نظام فلسفی حکمت صدرایی*، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم (۱۳۶۰). *اسرار الآیات*، محقق: محمد خواجهی چاپ اول، تهران: انجمن اسلامی حکمت و فلسفه اسلامی.
- صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم (بی تا). *الحاشیة علی الیهیات الشفاء*، قم: بیدار.
- صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم (۱۹۸۱م)، *الحکمة المتعالیة فی الأسفار العقلیة الاربعة*، با حاشیه علامه طباطبایی، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم (۱۳۸۲). *شرح تعلیقه صدر المتألهین بر الیهیات شفاء*، تهران: بنیاد حکمت اسلامی صدرا.
- صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم (۱۳۵۸). *الواردات القلبیة*، ترجمه احمد شفیعیها، بی جا.
- صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم (۱۳۶۰). *الشواهد الربوبیة فی المناهج السلوکیة*، تعلیق و تصحیح و مقدمه: جلال الدین آشتیانی، تهران: نشر دانشگاهی.
- صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم (۱۳۵۴). *مبدء و معاد*، تهران: انجمن حکمت و فلسفه ایران.
- صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم (۱۳۸۷). *المظاهر الالهیة*، تهران: بنیاد حکمت صدرا.
- طباطبایی، سید محمدحسین (۱۴۱۷ق). *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- فضلی، علی (۱۴۰۲). چرایی و چگونگی تأثیر سلامت معنوی بر سلامت جسمانی بر پایه فلسفه و حکمت علوی. *سلامت معنوی*، ۱۲(۱): ۵۷-۵۰.
- مجلسی، محمد باقر (۱۹۸۳م). *بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار (ع)*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- محمدزاده، مصطفی؛ شیخ، محمود؛ حومینیان، داوود؛ باقرزاده، فضل الله؛ و کاظم نژاد، انوشیروان (۱۴۰۰). ارائه مدل مفهومی توسعه سواد بدنی در ایران: بکارگیری نظریه داده بنیاد. *پژوهش در ورزش تربیتی*، ۹(۲۵): ۱۹۵-۲۲۰.
- محمدی، مهدی؛ ناصری جهرمی، رضا؛ محمدجعفری، خاطره؛ نبیئی، پرستو؛ معارف، پریسا؛ میرغفاری، فاطمه؛ ناصری جهرمی، راحیل؛ و حسامپور، زهرا (۱۴۰۰). طراحی چارچوب شایستگی سواد بدنی دانشجویان - رویکرد فراترکیب. *پژوهش در ورزش تربیتی*، ۹(۲۴): ۷۷-۱۰۶.
- نجفی، رضوانه؛ و شیروانی، علی (۱۳۹۳). *تکون و تکامل نفس از منظر ملاصدرا، آیین حکمت*، ۶(۱۹): ۱۳۹-۱۶۶.
- نقی پور گیوی، بهنام؛ حیدری نژاد، صدیقه؛ و رسایی راد، عبدالله (۱۴۰۳). چهارچوب نظری و الزامات پیاده سازی مفهوم سواد بدنی در مدارس آموزش و پرورش. *پژوهش در ورزش تربیتی*، ۱۲(۳۵): ۱۱۹-۱۴۰.

Bailey, R., Armour, K., Kirk, D., Jess, M., Pickup, I., Sandford, R., & BERA Physical Education SIG. (2013). *The educational benefits claimed for physical education and school sport: An academic review*. Research Papers in Education, 28 (2), 133- 157.

Brady Jr, (1969). A comparative analysis of selected program planning procedures for adult educational activities as perceived by adult educators and urban planners in Florida. the Florida state university.

- Cunningham, Suzanne, what is a Mind? An Integrative Introduction to the Philosophy of Mind, Cambridge, Hackett Publishing Company. Inc., 2000. p.
- Guthrie, W.K.C., "The Presocratic World Picture "in Philosophy before Socrates, ed. Terrence Irwin, New York and London, Garland Publishing Inc. 1995, pp.62, 102.
- Hackman, J.R. and Oldham, G.R. Motivation Through the Design of Work: Test of Theory. Organizational Behavior and Human Performance, 1976.
- Robinson, D. B., Randall, L., & Barrett, J. (2015). Physical literacy and the development of physical competence: A philosophical analysis. Journal of Physical Education and Sport, 15 (15)1, 40- 46.
- Rudd JR, Pesce C, Strafford BW and Davids K (2020). Physical Literacy - A Journey of Individual Enrichment: An Ecological Dynamics Rationale for Enhancing Performance and Physical Activity in All. Front. Psychol. 11:1904.
- Liu Y; Liu S.X.; Sum R.K.W; Duncan M.J; Gu Y.D; Li M.H (2024); Associations between levels of physical literacy and adherence to the 24-h movement guidelines among university students: A cross-sectional study; Journal of Exercise Science & Fitness, 22, 221- 226.
- UNESCO QPE Guidelines- drowningintheshallow (2015) .
<https://drowningintheshallow.wordpress.com/2015/04/09/unesco-qpe-guidelines/>
- Whitehead, M. (1993). Physical literacy: The philosophical underpinnings. Paper presented at the International Council of Sport Science and Physical Education Congress, Melbourne, Australia.
- Whitehead, M. (2010). Physical literacy: Throughout the life course. London and New York: Routledge.
- Whitehead, M. (Ed.). (2019). Physical literacy across the world. London and New York: Routledge.